

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



بررسی تأثیر سیاست یکپارچه سازی فرهنگی حکومت رضاشاه در تمرکزگرایی

معصوم یار احمدی

دکتر مهدی صلاح

دکتر سید ابوالفضل رضوی

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته تاریخ

تیر ۱۳۹۰

تقدیم به:

پدر بزرگوارم

مادر مهربانم

خواهران و برادران خوب و عزیزم

تقدیر و سپاس

خدای را شاکرم که این حقیر را توانایی بخشید تا بتوانم به نحوی شایسته این رساله را به پایان برسانم.

شکل کنونی این رساله مرهون دقت نظر و راهنمایی های ارزنده استاد بزرگوار دکتر مهدی صلاح می باشد، که با صبر و حوصله رنج خواندن و تصحیح مسوده های آن را بارها بر خود هموار ساختند. از دکتر سید ابوالفضل رضوی نیز که زحمت مشاوره این اثر را بر عهده داشتند، کمال سپاس را دارم. همچنین پشت گرمی های استاد گرامی دکتر محسن رحمتی ره توشه ای ارزشمند برای نگارنده در مراحل مختلف این پژوهش بوده است، برای ایشان از درگاه ایزد منان کامیابی و کامکاری مسئلت می کنم. در کنار این بزرگواران شایسته است از زحمات همه اساتید گروه تاریخ، مخصوصاً استاد ثواقب و جناب آقای دکتر شهیدانی که زحمت داوری این رساله را بر عهده گرفتند، سپاسگزاری کنم. در پایان لازم می دانم مراتب تقدیر و سپاس خود را به جناب آقای دکتر عباس شاهسونی و همه عزیزانی که مرا در نگارش این رساله یاری رساندند، تقدیم نمایم.

فهرست مطالب

فصل اول. مقدمه و کلیات طرح تحقیق

- ۱-۱. مقدمه..... ۱
- ۲-۱. بیان مسأله..... ۲
- ۳-۱. سؤالات تحقیق..... ۳
- ۴-۱. فرضیات تحقیق..... ۳
- ۵-۱. پیشینه موضوع و سوابق تحقیق..... ۳
- ۶-۱. ضرورت ها و اهداف تحقیق..... ۴
- ۷-۱. روش تحقیق و روش تجزیه و تحلیل داده ها و اطلاعات..... ۵
- ۸-۱. روش و ابزار گردآوری اطلاعات..... ۵
- ۹-۱. تعریف مفاهیم تحقیق..... ۵
- ۱۰-۱. سازمان تحقیق..... ۶
- ۱۱-۱. مروری بر منابع تحقیق..... ۷

فصل دوم. در آمدی بر تعریف فرهنگ و مؤلفه های اجتماعی- فرهنگی ایران (۱۲۹۹-۱۳۷۵ ه. ش)

- ۱-۲. در آمدی بر تعریف فرهنگ..... ۱۳
- ۱-۱-۲. رابطه فرهنگ ملی و خرده فرهنگ ها..... ۱۵
- ۲-۱-۲. دولت و سیاستگذاری فرهنگی..... ۱۷
- ۲-۲. نگرشی بر مؤلفه های اجتماعی- فرهنگی ایران از (۱۲۹۹-۱۳۷۵ ه. ش)..... ۲۲

فصل سوم. زمینه های سیاسی-تاریخی اتخاذ سیاست یکپارچه سازی فرهنگی و اهداف رضاشاه از آن

- ۱-۳. مروری بر جایگاه و ماهیت حکومت در ایران..... ۳۰
- ۱-۱-۳. روند تمرکزگرایی در دوره قاجار تا کودتای ۱۲۹۹ ه. ش..... ۳۲
- ۲-۱-۳. کودتای ۱۲۹۹ ه. ش و به حکومت رسیدن رضاخان..... ۳۷
- ۳-۱-۳. در آمدی بر مدل ساخت حکومت رضاشاه..... ۴۰
- ۴-۱-۳. حکومت رضاشاه و تمرکزگرایی..... ۴۱
- ۵-۱-۳. تحلیلی کلی بر سیاست تمرکزگرایی رضاشاه..... ۴۷
- ۲-۳. حکومت رضاشاه و رویکرد جدید هویتی در ایران..... ۴۸
- ۱-۲-۳. هویت و تعریف آن..... ۴۸
- ۲-۲-۳. هویت ملی ایرانی در گذر تاریخ..... ۵۰
- ۳-۲-۳. حکومت رضاشاه و ایجاد هویت ملی نوین..... ۵۴

۳-۲-۴. یکپارچه سازی فرهنگی و هویت ملی نوین در عصر رضاشاه..... ۵۷

فصل چهارم: مؤلفه های یکپارچه سازی فرهنگی در عصر پهلوی اول

- ۴-۱. سیاست ملی گرایی در عصر رضاشاه..... ۶۱
- ۴-۱-۱. مقدمه ای بر ملی گرایی..... ۶۱
- ۴-۱-۲. ناسیونالیسم در ایران..... ۶۳
- ۴-۱-۳. کارکرد ناسیونالیسم در عصر پهلوی اول..... ۶۷
- ۴-۱-۴. ناسیونالیسم دوره رضاشاه در یک نگاه کلی..... ۷۰
- ۲-۲. حکومت رضاشاه و لباس متحدالشکل..... ۷۱
- ۲-۱. اتحاد شکل لباس در ایران..... ۷۱
- ۲-۲. اتحاد شکل لباس و یکپارچه سازی فرهنگی..... ۷۲
- ۲-۳. واکنش های اجتماعی در مقابل متحدالشکل کردن لباس مردان..... ۷۵
- ۳-۳. سیاست های حکومت رضاشاه در خصوص زنان..... ۷۷
- ۳-۱. زن در ایران..... ۷۷
- ۳-۲. روند تغییر پوشش زنان قبل از عصر پهلوی اول..... ۷۸
- ۳-۳. کشف حجاب و حکومت پهلوی اول..... ۷۹
- ۳-۴. کشف حجاب و کارکرد آن در عصر پهلوی اول..... ۸۱
- ۳-۵. واکنش های اجتماعی در مقابل کشف حجاب..... ۸۳
- ۴-۴. سیاست زبانی حکومت رضاشاه..... ۸۵
- ۴-۱. زبان عامل وحدت بخش..... ۸۵
- ۲-۴. فرهنگستان ایران، اهداف و کارکرد آن..... ۸۷
- ۳-۴. فرهنگستان در یک نگاه..... ۹۰

فصل پنجم. بررسی نقش سازمان ها و کانون ها در یکپارچه سازی فرهنگی

- ۱-۵. نظام آموزشی ایران تا عصر پهلوی اول..... ۹۳
- ۱-۱. نظام آموزشی در دوره رضاشاه..... ۹۴
- ۱-۲. جهت گیری نظام آموزشی ایران در دوره رضاشاه..... ۹۶
- ۲-۵. سازمان پیشاهنگی..... ۹۸
- ۳-۵. سازمان پرورش افکار..... ۱۰۰
- ۳-۱. سازمان پرورش افکار و یکپارچه سازی فرهنگی..... ۱۰۲

- ۱۰۴.....۴-۵. انجمن ها و کانون های فرهنگی.....
- ۱۰۵.....۱-۴-۵. انجمن آثار ملی.....
- ۱۰۶.....۲-۴-۵. تأسیس اداره باستان شناسی.....
- ۱۰۷.....۳-۴-۵. جمعیت ایران جوان.....
- ۱۰۸.....۴-۴-۵. کانون ایران باستان.....
- ۱۰۸.....۵-۴-۵. جمعیت ایران کهن.....
- ۱۰۸.....۶-۴-۵. جمعیت نسوان وطن خواه.....
- ۱۰۹.....۷-۴-۵. کانون بانوان.....

فصل ششم. بررسی نقش مطبوعات و نخبگان در اتخاذ سیاست یکپارچه سازی فرهنگی

- ۱۱۱.....۱-۶. مطبوعات و حکومت.....
- ۱۱۲.....۱-۱-۶. وضعیت مطبوعات ایران تا آغاز حکومت رضاشاه.....
- ۱۱۴.....۲-۱-۶. مطبوعات و حکومت رضاشاه.....
- ۱۱۶.....۳-۱-۶. مطبوعات و سیاست یکپارچه سازی فرهنگی.....
- ۱۲۰.....۲-۶. نخبگان حکومتی.....
- ۱۲۱.....۱-۲-۶. نخبگان حکومتی ایران تا عصر پهلوی اول.....
- ۱۲۳.....۲-۲-۶. نخبگان حکومتی عصر رضاشاه.....
- ۱۲۵.....۳-۲-۶. نخبگان حکومتی عصر رضاشاه و یکپارچه سازی فرهنگی.....

۱۳۲.....سخن پایانی.....

۱۳۶.....منابع و مأخذ.....

۱۴۵.....ضمائم.....

چکیده

یکی از گسترده ترین و پیچیده ترین مفاهیم جامعه بشری «فرهنگ» می باشد. هر جامعه ای بر اساس فرهنگ هویت می یابد و از جوامع و گروههای دیگر متمایز می شود. بنابراین سیاستگذاری در امور فرهنگی یکی از وظایف خطیر دولت هاست، که قصور در انجام آن، عواقب وخیمی به دنبال خواهد داشت. در ایران، به طور مشخص، در دوره رضاشاه بود که توجه به امور فرهنگی به سبک مدرن در دستور کار حکومت قرار گرفت.

ناکامی مشروطه خواهان در ایجاد یک دولت متمرکز و باثبات و آشفتهگی هایی که به دنبال جنگ جهانی اول در ایران رخ داد، زمینه را برای وقوع کودتای ۱۲۹۹ ه.ش و سرانجام به حکومت رسیدن رضاخان فراهم کرد. حکومت او برای رسیدن به ثبات سیاسی، اصل تمرکز را در همه ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی، سرلوحه برنامه های خود قرار داد. اقداماتی نظیر ایجاد ارتشی واحد، اسکان عشایر، اقتصاد دولتی و نظام قضایی متمرکز بر آندهایی از این اصل بودند.

به لحاظ فرهنگی حکومت رضاشاه به پیروی از الگوهای اروپایی ملت سازی، به دنبال ایجاد ملتی واحد، تحت لوای یک دولت مرکزی بود. مسلماً جامعه سنتی ایران با معیارهای حکومت او، از ملت همخوانی نداشت. بنابراین حکومت نقش یکپارچه سازی فرهنگی در جامعه را به عهده گرفت و با انتخاب مؤلفه هایی چون اتحاد زبان و لباس و ایجاد یک ایدئولوژی حکومتی، قصد داشت اختلافات فرهنگی را از میان بردارد و به زعم خود ملتی با زبان و فرهنگ و آداب و رسوم و معتقدات و آرمان های مشترک به وجود آورد. بدین منظور، حکومت عناصر وحدت بخش را بدون در نظر گرفتن شرایط عمومی جامعه ایران و تفاوت های ساختاری آن با غرب، از بالا به جامعه تحمیل کرد، و برای نهادی شدن این ارزش ها و مؤلفه ها، از طریق جهت دهی به نظام آموزشی و ایجاد سازمان هایی نظیر سازمان پرورش افکار، اقدامات لازم را به عمل آورد. این در حالی بود که ایجاد تغییرات فرهنگی چه به سبک غربی و چه بومی شده آن، به اندیشه و برنامه سازمان یافته و هدف دار نیاز داشت. این نقصان در حکومت رضاشاه تا حدی محسوس بود، به طوری که در پایان حکومت او، هرچند جامعه با تعارض های دوران قاجار مواجه نبود، در مقابل تعارض های جدیدی در جامعه به وجود آمده بود. همین ناسازگاری مؤلفه های فرهنگی مورد نظر حکومت با جامعه ایرانی و استفاده از وجه آمرانه در اجرای آن ها مشکلات جدیدی را فرا روی جامعه ایران قرار داد.

کلید واژه: یکپارچه سازی فرهنگی، حکومت رضاشاه، تمرکزگرایی

فصل اول:

مقدمه
و
کلیات طرح تحقیق

۱-۱. مقدمه:

زندگی نوع بشر در انزوا میسر نمی شود و به دلیل نیازهای خاصی که دارد، فقط در گروه و یا جامعه می تواند به حیات خود ادامه دهد. گروهها یا جوامعی که انسان ها در آن ها می زیسته اند یکسان نبوده و در طول تاریخ صورت های متفاوتی مانند دولت-شهر یا امپراطوری داشته اند. ملت نسبت به سایر صورت بندی های سیاسی جوامع، پدیده ای جدیدتر است. گفتمان ملت سازی در قرن نوزدهم، بهگفتمان مسلط عرصه سیاسی تبدیل شد. از همین روی یکی از مهم ترین مسائل آن دوران این بود که کدام جمعیت خصوصیات ملت را دارد و می تواند در قالب ملیتی خاص هویت یابد. لذا ویژگی های مختلفی برای تشکیل ملت عرضه می شد. این گفتمان در قرن نوزده و اوایل قرن بیستم به دنبال ادغام اقوام و زبان های گوناگون به منظور ایجاد سازه های سیاسی قوی تر بود. در ایران، در زمان حکومت رضاشاه گفتمان ملت سازی بر اساس مؤلفه های مشخص در دستور کار حکومت قرار گرفت. بدین منظور در زمینه فرهنگی سیاست یکپارچه سازی فرهنگی حول محور وحدت زبان، وحدت فرهنگی از طریق ارائه آموزش های رسمی، توسعه ارتباطات و توجه به ایدئولوژی ناسیونالیسم که وحدت ملی را تبلیغ می کرد، یکسان سازی شیوه های پوشش و زندگی و نماد سازی ملی، اعمال شد. این سیاست تأثیرات مختلفی بر جامعه ایران گذاشت و دگرگونی هایی را در سطح جامعه به وجود آورد.

این پژوهش حاصل یک سال و نیم تلاش بی وقفه نگارنده می باشد. اگرچه اکنون که به پایان رسیده، هیچ ادعایی در رابطه با آن نداشته و مطمئناً آن را عاری از نقص نمی داند. تنها انگیزه ای که در طول این مدت نگارنده را به ادامه کار تشویق می کرد، انجام پژوهشی علمی و بدور از هرگونه پیش داوری در رابطه با موضوع پژوهش بود. چرا که ضرورت پژوهش علمی در تاریخ معاصر، مخصوصاً دوره رضاشاه بسیار محسوس است.

در این پژوهش تلاش بر آن بوده، ضمن تشریح اوضاع فرهنگی-اجتماعی ایران در دوره قاجاریه، به بررسی برنامه های رضاشاه (۱۳۲۰-۱۳۰۴ ه.ش) در راستای سیاست یکپارچه سازی فرهنگی و تأثیر این سیاست در تمرکز قدرت رضاشاه و واکنش های صورت گرفته در این رابطه مورد بررسی قرار گیرد. در این بین نقش مطبوعات و نخبگان حکومتی و سازمان های مجری این سیاست ها مورد بررسی قرار می گیرد. باید اذعان کرد، برخی اصطلاحات مانند یکپارچه سازی، قومیت، فرهنگ، هویت و ناسیونالیسم متناسب با مقصود پژوهش در دوره مورد بحث تعریف شده است و هدف این پژوهش دست یافتن به تعریف جامعی از این اصطلاحات نمی باشد.

۲-۱. بیان مسأله

سال‌های حکومت رضاشاه (۱۳۲۰-۱۳۰۴ ه. ش) دوران پی‌ریزی نظامی جدید بود. در این نظام نوپا ساختار یک دولت-ملت مدرن شکل گرفت که نهادهای پشتیبان آن ارتش مدرن، دربار جدید و بوروکراسی دولتی بود. رضاشاه در دوره‌ای از تاریخ ایران قدرت را به دست گرفت که کشور دست‌خوش هرج و مرج داخلی بود و عملاً حاکمیت ملی مفهوم خود را از دست داده بود. در این شرایط رضاشاه با شعار «وحدت ملی» وارد عرصه شد و بدین گونه حمایت بسیاری از روشنفکران را جلب کرد. اما با مرور زمان مشخص شد نگرش او به مسئله وحدت ملی برگرفته از یک الگوی بومی و به دور از انگیزه‌های شخصی نبود. در واقع دولت-ملت شکل گرفته و نهادهای پشتیبان حکومت رضاشاه، بیشتر برای تثبیت و تحکیم و تداوم قدرت وی به کار می‌رفتند. به مرور زمان این نهادها، تبدیل به ابزارهایی برای اقتدار نظام سیاسی نوپایی شدند که رضاشاه در رأس آن بود. در این دوران حاکمیت به دنبال ایجاد یک جامعه‌ای یک دست در همه ابعاد فرهنگی، اقتصادی و سیاسی بود.

به لحاظ فرهنگی حکومت رضاشاه ریشه‌اختلافات موجود در ایران را در تفاوت‌های ظاهری بین اقوام ایرانی می‌دید و با توجه به این که ایران کشوری بود که از اقوام مختلف تشکیل شده بود که در نقاط مختلف نمادهای فرهنگی این اقوام مانند زبان (گویش، لهجه) یا لباس، مذهب... متفاوت بود. بنابراین رضاشاه سعی داشت از طریق یک سلسله برنامه‌ها و سازمان‌های مختلف که مستقیم یا غیر مستقیم برای این هدف طراحی شده بودند ایران را به سمت یکپارچه شدن سوق دهد. رضاشاه می‌خواست با تکیه بر ایدئولوژی ملی‌گرایی و با تقلید از غرب یک هویت نوین برای جامعه ایران ایجاد کند و بافت فرهنگی سنتی اقوامی را که در ایران بودند در قالب قوم ایرانی بریزد و جامعه‌ای یکپارچه و منسجم به وجود آورد. در واقع سیاست یکپارچه‌سازی فرهنگی رضاشاه بر وحدت زبان، وحدت فرهنگی از طریق ارائه آموزش‌های رسمی، از بین بردن مراکز متعدد قدرت و پایان دادن به حاکمیت‌های چندگانه، توسعه ارتباطات، توجه به ایدئولوژی ناسیونالیسم که وحدت ملی را در قالب چارچوب خاصی که حکومت برای آن تعریف کرده بود تبلیغ می‌کرد، یکسان کردن شیوه‌های پوشش و زندگی و نمادسازی ملی مبتنی بود. باید اذعان کرد سیاست یکپارچه‌سازی فرهنگی رضاشاه به هیچ وجه ناشی از اقدامات یک نفر نبود، زیرا علاوه بر نهادهای دولتی شماری از روزنامه‌نگاران، نویسندگان، روشنفکران و برخی سازمان‌ها مانند نظام آموزشی و سازمان پرورش افکار سهم بسزایی داشتند. این سیاست و اقداماتی که در راستای این سیاست اجرا شد واکنش‌هایی را در جامعه ایران در پی داشت و آثار و نتایجی نیز بر جای گذاشت.

۳-۱. سؤالات تحقیق:

سؤال اصلی:

سیاست یکپارچه سازی فرهنگی رضاشاه در تمرکز قدرت و انسجام سیاسی این عصر چه تأثیری داشت؟

سؤالات فرعی:

- (۱) مؤلفه های یکپارچه سازی فرهنگی در عصر رضاشاه چه بود؟
- (۲) اوضاع اجتماعی - فرهنگی ایران قبل از اعمال سیاست یکپارچه سازی از جانب حکومت رضاشاه چگونه بود؟
- (۳) رضاشاه از اعمال سیاست یکپارچه سازی فرهنگی چه اهدافی را دنبال می کرد؟

۴-۱. فرضیات تحقیق:

فرضیه اصلی:

سیاست یکپارچه سازی فرهنگی رضاشاه در تمرکز قدرت و انسجام سیاسی عصر پهلوی اول تأثیر بسزایی داشت، چرا که یکی از راههای تحقق اهداف رضاشاه، مبنی بر ایجاد دولتی نوین، باثبات، متمرکز و فارغ از قدرت ایلی و خاندانی مرسوم در ایران، اعمال سیاست یکپارچه سازی فرهنگی بود.

فرضیه های فرعی:

- (۱) یکپارچه سازی فرهنگی عصر رضاشاه بر باستان گرایی، وحدت زبان، متحدالشکل کردن لباس، سازمان اجرایی منسجم و مواردی از این قبیل مبتنی بود.
- (۲) ساختار فرهنگی - اجتماعی ایران عصر قاجار بر خلاف عصر رضاشاه فاقد انسجام و جهت گیری هویتی مشخص بود.
- (۳) بازسازی جایگاه نظام سلطنت و سلطان (شاه پرستی) پس از بحران های طولانی این نظام در عصر قاجار یکی از اهداف مهم رضاشاه در اجرای سیاست یکپارچه سازی فرهنگی در ایران بود.

۵-۱. پیشینه موضوع و سوابق تحقیق:

تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد درباره موضوع مورد پژوهش هیچ کار مستقلی انجام نشده است. با توجه به این که موضوع مورد بحث، با سه حوزه جامعه شناسی، تاریخ و علوم سیاسی در ارتباط است، لذا ارائه پیشینه ای مشخص درباره آن، کاری بس دشوار است. البته درباره سیاست های فرهنگی رضاشاه و تمرکز گرایی در این دوره، که بخش اصلی موضوع این پژوهش می باشد، به صورت جزئی و کلی

کتاب‌ها و مقالات زیادی نوشته شده است. هر یک از این کتاب‌ها و مقالاتی که نگارنده مطالعه کرده از یک منظری اقدامات فرهنگی حکومت رضاشاه را مورد بررسی قرار داده‌اند. از این حیث پژوهش انجام شده در جای خود نو و بدیع به نظر می‌رسد. از میان کتاب‌ها و رسالاتی که در سال‌های اخیر، در رابطه با سیاست‌های فرهنگی حکومت رضاشاه نگاشته شده‌اند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- از سیاست تا فرهنگ نوشته دکتر حسام‌الدین آشنا.
- ۲- سیاست‌های فرهنگی ایران در عصر رضاشاه، رساله دکتری، نوشته خلیل‌الله سردار آبادی، به راهنمایی هاشم آقاجری که در سال ۱۳۷۹ در دانشگاه تربیت مدرس دفاع شده است.
- ۳- کشف حجاب زمینه‌ها، واکنش‌ها، پیامدها نوشته دکتر مهدی صلاح.
- ۴- سازمان پرورش افکار نوشته بابک دربیکی.
- ۵- باستانگرایی در ایران معاصر نوشته رضا بیگدلو.
- ۶- رضاشاه و شکل‌گیری ایران نوین، نوشته استفانی کرونین.
- ۷- دولت‌مدرن و یکپارچگی ملی نوشته داریوش قنبری.

از جمله مقالات نگاشته شده در این رابطه می‌توان به مقاله خانم **ویدا همراز** تحت عنوان «نهادهای فرهنگی در حکومت رضاشاه» اشاره کرد که در سال ۱۳۷۶ در فصلنامه تاریخ معاصر ایران به چاپ رسیده است.

همچنین در سال‌های اخیر اسناد زیادی درباره سیاست‌های فرهنگی رضاشاه توسط مرکز اسناد انتشار یافته‌اند: **فرهنگ ستیزی رضاشاه**، حاوی مجموعه اسنادی است که اقدامات فرهنگی رضاشاه را در بر می‌گیرد؛ **تغییر لباس و کشف حجاب در ایران** حاوی مجموعه اسنادی در رابطه با کشف حجاب و متحدالشکل کردن لباس؛ **پهلویسم یا شبه‌مدرنیسم** در ایران حاوی مجموعه اسنادی از سیاست‌های مختلف فرهنگی رضاشاه. همچنین اسنادی که در سازمان اسناد ملی ایران نگهداری می‌شوند، منبعی کم‌نظیر برای بررسی سیاست‌های فرهنگی حکومت رضاشاه هستند و اعتبار علمی بیشتری دارند.

۱-۶. ضرورت‌ها و اهداف تحقیق:

درباره ضرورت این پژوهش باید اذعان کرد که فرهنگ معاصر ایران و تحولات بسیار آن دچار ابهامات و زوایای تاریکی است که تلاش محققان در تبیین روند تحولات آن، روشن‌گر بسیاری از تنگناهای فرهنگی جامعه امروز ما خواهد بود. در این میان بررسی تحولات فرهنگی حکومت پهلوی اول از اهمیت بسزایی برخوردار است. بررسی موشکافانه اقداماتی که در عصر پهلوی اول در راستای

یکپارچه کردن فرهنگ جامعه ایران صورت گرفت و روش ها و ابزارهایی که برای اجرای این اقدامات اعمال می شد، نکات ارزنده ای را در اختیار متولیان امور فرهنگی می گذارد تا با توجه به آنها سیاست های فرهنگی خود را ساماندهی کنند و در سیاست گذاری های خود دقت عمل بیشتری به عمل آورند. هدف پژوهش گر قبل از هر چیز پاسخ به سؤال اصلی است که مشوق وی برای جستجوگری و پژوهش بوده است. در عین حال خلاء پژوهشی علمی و تحلیلی در این حیطه بسیار محسوس است؛ چرا که عصر رضاشاه در تاریخ معاصر ایران دورانی حساسیت برانگیز است و در بسیاری مواقع شخصیت استبدادی رضاشاه اقدامات حکومت او را در همه زمینه ها تحت الشعاع قرار داده است. بنابراین هدف دیگر پژوهش گر آن است که نگاهی علمی به موضوع داشته باشد.

۷-۱. روش تحقیق و روش تجزیه و تحلیل داده ها و اطلاعات:

در این پژوهش مانند دیگر پژوهش های تاریخی، تکیه اصلی بر روش توصیفی - تحلیلی بوده است. پس از بررسی دقیق منابع و گردآوری اطلاعات، با رویکرد تبیین تاریخی داده های تحقیق تصفیه، طبقه بندی و تحلیل شده اند. در این راستا از نظریات علوم هم عرض در تاریخ به ویژه جامعه شناسی و در برخی موارد علوم سیاسی استفاده شده است. تلاش بر آن بوده ضمن توصیف اوضاع فرهنگی - اجتماعی ایران در عصر قاجار به بررسی و تحلیل سیاست های فرهنگی رضاشاه در راستای یکپارچه سازی فرهنگی در ایران به تأثیر آن بر سیاست تمرکزگرایی رضاشاه پرداخته شود، ضمن آن که اهداف وی از اتخاذ این سیاست و واکنش های اجتماعی صورت گرفته، مورد بررسی قرار می گیرد.

۸-۱. روش و ابزار گردآوری اطلاعات:

روش اصلی گردآوری اطلاعات در این پژوهش آمیزه ای از روش کتابخانه ای و اسنادی است. بخش عمده داده ها با بررسی کتاب ها و اسناد منتشر شده در آرشیوها و کتابخانه های معتبر کشور و با بهره برداری از فیش های تحقیقاتی و گاه تصویر برداری (اسکن) گرد آمده است.

۹-۱. تعریف مفاهیم تحقیق:

یکپارچه سازی فرهنگی: با توجه به این که کشور ایران اقوام مختلف با نمادهای فرهنگی متفاوت را در برمی گیرد یکپارچه سازی فرهنگی یعنی حذف نمادهای فرهنگی اقوام مختلف - مانند زبان (گویش یا لهجه)، لباس و . . . - در راستای یکدست کردن فرهنگ ایرانی. به عبارت دیگر در این پژوهش

منظور از یکپارچه سازی فرهنگی ذوب اقوام ایرانی در فرهنگ باستان گرایی و یکدست فارسی می باشد.

تمرکزگرایی: نظام و شیوه ای است که در آن تصمیمات در کلیه امور عمومی (ملی و محلی)، توسط مرکز سیاسی و اداری واحدی که معمولاً در پایتخت مملکت (مرکز) قرار دارد اتخاذ می شود. در این حالت قدرت و اختیارات اداره و اجرای امور نیز، کلاً در سازمان های مرکزی تجمع یافته است.

حکومت: حکومت در عصر رضاشاه مجموعه ای از هیأت حاکمه را شامل می شود که تحت اوامر شاه به تمشیت امور اشتغال دارند. در این نظام حکومتی علی رغم تفکیک ظاهری قوا همه امور تحت اراده شخص شاه قرار دارد که خودکامگی در تصمیم گیری و تمرکز قدرت از نشانه های آشکار و پنهان آن است. بنابراین معنای حکومت در این پژوهش ارتباط چندانی با معنای این واژه در ادبیات سیاسی عصر جدید ندارد و دارای بار معنایی خاص خود می باشد.

قوم: در این پژوهش به گروه های مختلف زبانی، مذهبی و نژادی که در یک سرزمین هستند اطلاق می شود. این گروه های گوناگون زبانی و مذهبی در ایران ملیت های مشخصی نبوده اند که از مناطق دیگر جهان به این منطقه مهاجرت کرده باشند. برعکس، آن ها بخش های جدایی ناپذیر جامعه ایران بوده اند. علاوه بر این قومیت یک پدیده ثابت و قطعی نیست. بلکه به لحاظ ویژگی های زبانی، مذهبی و فرهنگی در حال تغییر است.

۱-۱۰. سازمان تحقیق:

این رساله در شش فصل و یک پیوست تدوین شده است. فصل اول به کلیات پژوهش اختصاص دارد. فصل دوم ضمن بررسی برخی مفاهیم نظری مانند فرهنگ و جایگاه آن در سیاست گذاری های دولت به بررسی کلی مؤلفه های اجتماعی - فرهنگی عصر قاجار می پردازد. در این فصل تلاش شده، ذهن خواننده برای ورود به بحث اصلی آماده گردد. فصل سوم به اهداف رضاشاه از اعمال سیاست یکپارچه سازی فرهنگی و زمینه های اعمال این سیاست می پردازد. در این فصل دو عامل اصلی تمرکزگرایی و ایجاد هویت نوین به عنوان اهداف حکومت رضاشاه مورد بررسی قرار گرفته اند که اتخاذ سیاست هایی مانند سیاست یکپارچه سازی فرهنگی در ذیل آن ها قرار می گیرد. در فصل چهارم مؤلفه های فرهنگی که مورد نظر حکومت رضاشاه بود، بررسی شده اند. در این فصل با ذکر چند مؤلفه - زبان، ملی گرایی، اتحاد لباس و کشف حجاب - به عنوان اصلی ترین مؤلفه های مورد نظر حکومت، تلاش شده جهت گیری این مؤلفه ها در راستای سیاست یکپارچه سازی و در نهایت تمرکز قدرت شاه مورد بررسی قرار گیرد. فصل پنجم به بررسی سازمان ها، نهادها و کانون هایی که در

پیش‌برد این مؤلفه‌ها نقش مؤثری داشتند و یا با هدف پیش‌برد این مؤلفه‌ها تأسیس شده بودند، می‌پردازد. مسلماً اصلی‌ترین این سازمان‌ها نظام آموزشی می‌باشد که محتوای آن بر اساس سیاست‌های حکومت طراحی شده بود. بعد از آن سازمان پرورش افکار که اصلی‌ترین نهاد تبلیغی و آموزشی این دوره محسوب می‌شود، مورد بررسی قرار گرفته، سپس به کانون‌ها و مراکز تبلیغی دیگر اشاره‌هایی هرچند مختصر شده است. فصل ششم به بررسی نقش نخبگان و مطبوعات در پیش‌برد مؤلفه‌های فرهنگی مورد نظر حکومت پرداخته است.

۱-۱۱. مروری بر منابع پژوهش

یکی از ویژگی‌های تاریخ معاصر، تکثر منابع و پژوهش‌های تاریخی است. هرچند این تکثر منابع، گوشه‌هایی از زوایای تاریک تاریخ را روشن می‌نماید اما در مقابل، پژوهش‌گر را با حجم انبوهی از منابع مواجه می‌سازد و امکان‌پذیرش را بسیار دشوار می‌کند. این مسئله در رابطه با دوره پهلوی مخصوصاً پهلوی اول بسیار محسوس است. با توجه به انبوه تحولاتی که در این دوره رخ داده، قضاوت‌های متعدد و گاه متناقضی از جانب پژوهش‌گران و مورخان صورت گرفته است، که در بسیاری از مواقع پژوهش‌گر را دچار سردرگمی می‌سازد. وقتی در رابطه با اقدامات فرهنگی حکومت رضاشاه بحث می‌شود، حساسیت مسئله دوچندان می‌شود به گونه‌ای که در بادی امر نوعی سردرگمی و ابهام در ذهن پژوهش‌گر ایجاد می‌شود. با این وصف پژوهش‌گر راهی جز گزینش منابع ندارد و در بسیاری از مواقع تنها به نقل نظرات مختلف اکتفا کرده و از اظهار نظر خودداری می‌کند.

این پژوهش یک موضوع میان‌رشته‌ای است و در آن از پژوهش‌های تاریخی، علوم اجتماعی و علوم سیاسی بهره گرفته شده است. در یک دسته‌بندی کلی می‌توان منابع استفاده شده را چنین ذکر کرد:

۱) اسناد:

در پژوهش‌های تاریخ معاصر، اسناد از معتبرترین و مهم‌ترین دسته از منابع می‌باشند. در این رابطه مجموعه اسنادی که از طرف سازمان اسناد ملی ایران و مرکز اسناد انقلاب اسلامی به صورت کتاب منتشر شده‌اند بسیار راهگشا می‌باشند. هرچند که این اسناد حکومتی می‌باشند و بازگوکننده نظرات دولتمردان هستند اما با قرار گرفتن در کنار سایر منابع در روشن کردن حقایق نقش مؤثری ایفا می‌کنند. در مورد سیاست‌های فرهنگی حکومت رضاشاه در سال‌ها اخیر اسناد متعددی چاپ شده، از این میان می‌توان به کتاب **تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد**، اشاره کرد که توسط مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات در سال ۱۳۷۸ به چاپ رسیده است. این کتاب حاوی مجموعه فرامین و

گزارش‌هایی در رابطه با تغییر لباس و کشف حجاب و روند اجرای آن در مناطق مختلف کشور می‌باشد. البته مقدمه این کتاب جای بسی بحث دارد و ظاهراً تنها به یک طرف واقعیت اشاره کرده است.

فرهنگ ستیزی در دوره رضاشاه که به کوشش محمود دلفانی، توسط سازمان اسناد ملی ایران و پژوهشکده اسناد منتشر شده، در بردارنده اسنادی از تشکیلات سازمان پرورش افکار و اقدامات و دستور کار این سازمان، طی دو سال فعالیتش می‌باشد. نکته در خور تأمل در این کتاب عنوانی است که برای آن برگزیده شده است. به طوری که با مشاهده نام آن نوعی پیش داوری در ذهن خواننده صورت می‌گیرد. این در حالی است که انتخاب چنین عناوینی از روش علمی به دور است. همچنین می‌توان به کتاب **خشونت و فرهنگ**، به کوشش مدیریت پژوهش، انتشارات و آموزش، توسط سازمان اسناد ملی ایران چاپ شده، اشاره کرد. این کتاب در بردارنده اسنادی در رابطه با کشف حجاب و روند اجرای آن در شهرهای مختلف می‌باشد. کتاب **پهلویسم یا شبه مدرنیسم** که توسط مجتبی زارعی و رضا مختاری اصفهانی در سال ۱۳۸۸ تدوین شده، حاوی مجموعه اسنادی از سیاست‌های فرهنگی رضاشاه، در زمینه‌های مختلف می‌باشد، که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است.

۲) منابع پژوهشی

پژوهش‌هایی که راجع به اقدامات فرهنگی دوره رضاشاه صورت گرفته می‌توان به چند دسته کلی تقسیم کرد؛ یک دسته از این پژوهش‌ها یکسره حکومت رضاشاه را تمجید کرده و اقدامات صورت گرفته را مخصوصاً در زمینه‌های فرهنگی، موجب اصلاح فرهنگ جامعه دانسته اند و معتقدند رضاشاه با این اقدامات وحدت از دست رفته دوران باستان را به ایران بازگرداند. مسلماً شرایط زمانی در نگارش این کتاب‌ها تأثیر زیادی داشته به طوری که بیشتر تاریخ‌های رسمی که در دوره رضاشاه و پسرش محمد رضاشاه نگاشته شده، در این دسته جای می‌گیرند. از جمله آن‌ها می‌توان به کتاب **رضاشاه کبیر و تحولات فرهنگی ایران** نوشته ابراهیم صفایی اشاره کرد. نویسنده این کتاب که یکی از کارگزاران فرهنگی دوره رضاشاه بوده، آن را در سال ۱۳۵۶ ه.ش در زمان محمد رضاشاه نگاشته است. به گفته نویسنده، در این کتاب «دوازده طرح اصلاحی رضاشاه که به ایجاد تحول فکری و تحکیم وحدت ملی» منجر شد، مورد بررسی قرار گرفته است. مسلماً این کتاب با دیدگاهی جانبدارانه نگارش یافته است و ستایش و تمجید از اقدامات رضاشاه در آن به وضوح دیده می‌شود. کتاب دیگر که چنین نگاهی دارد **قرن پهلوی**، نوشته مهدی اسکندری خوئینی است که به مناسبت یادبود هشتمین سال تولد رضاشاه نگاشته شده است. در این کتاب رضاشاه به عنوان ناجی ملت ایران معرفی شده که روح ملیت و غرور ملی ایران را که به آن بازگرداند و ایران را از چاه جهل و ظلمت به سوی تمدن و

پیشرفت نجات داد. در میان این تمجیدها و ستایش ها می توان به نکات ارزنده ای دست یافت که شاید در منابع دیگر پیدا نشود. اما استفاده از آن ها در این پژوهش با کمال دقت صورت گرفته است. دسته دیگری از پژوهش ها که بیشتر در سال های اخیر نگاشته شده اند، به حکومت رضاشاه و به طور خاص، به اقدامات فرهنگی این دوره، نگاهی یک مغرضانه دارند. برخی از این پژوهش ها، بدون در نظر گرفتن شرایط سیاسی و اجتماعی آن زمان و به دور از نگاه تاریخی، اقدامات فرهنگی صورت گرفته در این زمان را یک برنامه تحمیلی از جانب انگلیسی ها می دانند که به حکومت رضاشاه تحمیل می شد و رضاشاه به عنوان سرسپرده آنان چاره ای جز اجرای این برنامه ها نداشت. برخی از این پژوهش ها نیز، رضاشاه را صرفاً یک مستبد بی سواد معرفی می کنند که کورکورانه و بدون هیچ نقشه و برنامه ای دست به اقداماتی زد که موجب شد جامعه ایران مشوش تر از قبل شود. در این پژوهش ها شخصیت فردی رضاشاه، چهره سیاسی او را تحت الشعاع قرار داده است؛ بدین معنی که هنگام بررسی دوره رضاشاه بیشتر در مورد شخصیت و ویژگی های فردی رضاشاه بحث می شود و با عناوینی چون «فراق بی سواد» و مواردی از این قبیل بیان می گردد. این دسته از پژوهش ها اگرچه به واقعیت های انکار ناشدنی اشاره دارند، اما با نادیده گرفتن بسیاری از واقعیت های دیگر و یا بازگو نکردن همه حقیقت دین خود را به تاریخ ادا نمی کنند. در این پژوهش از این دسته منابع نیز استفاده شده است. در این بین پژوهش هایی نیز وجود دارند که با تکیه بر اسناد اقدامات فرهنگی صورت گرفته در این زمان را تحلیل و بررسی کرده اند. این پژوهش ها، مسلماً از دو دسته دیگر از اهمیت و اعتبار علمی بیشتری برخوردار هستند. با توجه به مطالب ذکر شد، در ادامه به معرفی چند کتاب که در این پژوهش به کرات از آن ها استفاده شده پرداخته می شود.

رضاشاه و شکل گیری ایران نوین: این کتاب حاصل نهایی همایشی است که در سال ۱۹۹۹م. / ۱۳۷۸ه. ش در مدرسه مطالعات شرقی و آفریقایی دانشگاه لندن برگزار شده و توسط **استفانی کرونین** جمع آوری و تدوین شده است. مترجم آن، **مرتضی ثاقب فر** می باشد و توسط انتشارت «جامی» در سال ۱۳۸۲ به چاپ رسیده و در سال ۱۳۸۷ ه. ش تجدید چاپ شده است. این کتاب در بر دارنده مقالاتی از کسانی چون رودی ماتی، هما کاتوزیان، کاوه بیات، و جمعی دیگر می باشد. سه مقاله آن به سرشت حکومت رضاشاه و گستره و خصلت هواداران او اختصاص دارد. دو مقاله درباره جهت گیری بین المللی حکومت رضاشاه بحث می کند. دو مقاله به بررسی تحولات در عرصه فرهنگ و ایدئولوژی می پردازد؛ سه مقاله درباره تغییرات مؤثر بر وضع زنان و سه مقاله تجربیات گروه های عشایری را بررسی می کند. یکی از ویژگی های این کتاب این است که در آن دیدگاه های مطرح شده لزوماً با هم هماهنگ نیستند و در واقع، بدین منظور انتخاب شده اند تا گوناگونی و پیچیدگی برداشت های پژوهندگان جدید را به نمایش بگذارند. تلاش نویسندگان این مقالات بر آن است که

تصویر ایران دوره رضاشاه را با همه پیچیدگی‌ها و سایه روشن‌هایش نشان دهند. روی هم رفته می‌توان گفت این کتاب یکی از پژوهش‌هایی است که اگرچه خالی از اشکالات تاریخی نمی‌باشد، ولی نکات ارزنده‌ای در اختیار پژوهش‌گر قرار می‌دهد.

از سیاست تا فرهنگ: این کتاب در واقع رساله دکتری دکتر حسام‌الدین آشنا عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق می‌باشد، که آن را در سال ۱۳۸۴ توسط انتشارات «سروش» به صورت یک کتاب به چاپ رسانده است. این کتاب به بررسی سیاست‌های فرهنگی حکومت رضاشاه با تکیه بر اسناد می‌پردازد. کتاب با گفتاری مقدماتی در باب مفاهیم اساسی آغاز می‌شود. در بخش اول زمینه‌های سیاسی و فرهنگی ظهور رضاخان مورد بررسی قرار گرفته، بخش بعدی به چگونگی تسلیم قوای سه‌گانه و نهادهای اقتصادی در برابر رضاشاه و آثار اجتماعی آن می‌پردازد. قسمت‌های بعدی کتاب نیز سیاست‌گذاری‌های فرهنگی حکومت بر محور زنان، مطبوعات، جوانان، با تکیه اساسی بر اسناد مورد بررسی قرار گرفته است. برای بررسی سیاست‌های فرهنگی حکومت این کتاب به نسبت سایر منابع از اعتبار علمی بیشتری برخوردار می‌باشد.

دولت مدرن و یکپارچگی ملی در ایران: نوشته دکتر داریوش قنبری، که انتشارات تمدن ایرانی در سال ۱۳۸۵ آن را به چاپ رسانده است. این کتاب به بررسی ساختار قدرت دو دولت مشروطه و رضاشاه، همچنین وضعیت یکپارچگی ملی در هریک از این دو دوره می‌پردازد. فصل اول این کتاب با ارائه مفاهیمی نظری در مورد قدرت، دولت و یکپارچگی ملی و مواردی از این قبیل آغاز می‌شود. در فصول بعد نیز به ترتیب، وضعیت یکپارچگی ملی قبل از مشروطه، دوران مشروطه و دوران رضاشاه مورد بررسی قرار می‌گیرد. این کتاب پژوهشی میان‌رشته‌ای است که با استناد به پژوهش‌های جامعه‌شناسی ساخت قدرت در دوران مشروطه و رضاشاه را بررسی می‌کند و برای بررسی ساخت قدرت حکومت رضاشاه و جایگاه سیاست‌های فرهنگی در این ساخت قدرت، بسیار سودمند می‌باشد.

تجددآمرانه: جامعه و دولت در عصر رضاشاه، این کتاب شامل مجموعه مقالاتی است که توسط تورج اتابکی و اریک یان زورشر گردآوری شده است. مهدی حقیقت‌خواه آن را ترجمه و توسط انتشارات ققنوس در سال ۱۳۸۵ به چاپ رسیده است. مقالات این کتاب در نتیجه یک کار گروهی در مورد «تجددآمرانه در ترکیه و ایران» که در بهار ۱۳۷۸ در پژوهشکده بین‌المللی تاریخ اجتماعی سازمان داده شده، فراهم آمده است. مقالات این کتاب به صورت مقایسه‌ای مدرن‌سازی در ترکیه و ایران را در مواردی چون ارتش، زبان و مقررات لباس پوشیدن و مواردی از این قبیل بررسی کرده‌اند و با بیان نحوه اجرای این سیاست‌ها در این دو کشور، آثار و نتایج آن‌ها را با یکدیگر مقایسه کرده‌اند.

برای بررسی مؤلفه های فرهنگی حکومت رضاشاه از کتاب هایی چون **کشف حجاب**، **زمینه ها، واکنش ها، پیامدها**، نوشته دکتر مهدی صلاح، **باستانگرایی در ایران معاصر** نوشته رضا بیگدلو، **تحول ناسیونالیسم در ایران** نوشته داریوش قنبری، **سازمان پرورش افکار** نوشته بابک دریکی و موارد دیگر مورد استفاده قرار گرفته است.

با توجه به موضوع مورد بحث، پژوهش های جامعه شناسی و علوم سیاسی نیز بهره گرفته شده است. این پژوهش ها در روشن ساختن روند سیاست گذاری فرهنگی حکومت رضاشاه مورد استفاده قرار گرفته اند؛ در این راستا کتاب هایی همچون **فرهنگ شناسی و فرهنگ و برنامه ریزی** از چنگیز پهلوان، **بحران نوگرایی و فرهنگ سیاسی در ایران معاصر** از علی اصغر کاظمی و مواردی از این قبیل مورد استفاده قرار گرفته اند.